

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

داکتر عباس آزادیان



مهاجرت و پناهندگی

به ادامه گذشته

فصل دوم

"هرچند

اینجا بهشت شاد خدایان است

بی تو برای من

این سرزمین غمزده زندان است"

حمید مصدق- در رهگذر باد

ابعاد مهاجرت

مسئله مهاجرت در صد سال گذشته ابعاد گسترده ای یافته است. میلیونها نفر از یک کشور به کشور دیگر مهاجرت میکنند. هم اکنون ۱۳۰ میلیون مهاجر در جهان وجود دارد. در آمریکا حدود ۳۰ میلیون و در کانادا ۴-۵ میلیون مهاجر زندگی میکنند. در نیویورک حدود ۵۰ درصد تمام دانش آموزان در خانواده های مهاجر زندگی میکنند. بیشتر از ۵۰

درصد جمعیت تورنتو در خارج از کانادا به دنیا آمده اند. در کالیفرنیا ۱.۵ میلیون کودک مدرسه ای زبان انگلیسی را به خوبی نمیدانند. اگر مهاجران داخلی کشورها یعنی افرادی که از یک منطقه به منطقه ای دیگر کوچ میکنند را هم در نظر بگیریم ارقام مهاجران چندین برابر میشود.

بسیاری از مهاجران در کشورهای میزبان نتایج بهتری به دست می آورند. به طور مثال مطالعات فراوانی در مورد مسائل کودکان انجام شده است و نشان داده است که کودکان بعد از مهاجرت از لحاظ بهداشت وضع بهتری دارند در مدارس سخت کوش ترند و در مجموع از بینش مثبت تری به جهان برخوردارند. همینطور نشان داده شده است که درصد بالاتری از کودکان خانواده های مهاجر جوایز و بورسهای تحصیلی بالاتر را از آن خود میکنند و وارد دانشگاههای معتبرتر میشوند. بسیاری از کودکان خانواده های مهاجر با انتظارات بالاتر و باورهای مثبت نسبت به تحصیل، وارد کشور میزبان میشوند و معمولاً هم به اهداف تحصیلی و شغلی خود میرسند.

بعضی مشکلات مهاجرت

علی رغم موفقیتهایی که مطرح شد مسائل و مشکلات فراوانی بر سر راه مهاجران وجود دارد و این مسائل و مشکلات نگران کننده میباشند. اجازه بدهید از کودکان شروع کنیم. بسیاری از کودکان مهاجر درگیر خشونت میشوند و یا در مدارس مشغول به تحصیل میشوند که از امکانات پایین تحصیلی برخوردارند. اگر این تفاوت بین مدارس در کشوری مثل کانادا کمتر است اما در امریکا به دلیل تفاوت فاحش سطح مدارس این تفاوت امری نگران کننده میباشد. امکانات پایینتر این مدارس، تفاوت طبقاتی و احتمالاً نژادی را بیشتر میکند و به افزایش شکاف در نسل آینده می انجامد.

حاصل این شکاف گاه اخراج تعداد زیادی از دانش آموزان مهاجر از مدارس و گاه ترک تحصیل آنان میباشد و یا در بهترین حالت به اکتفا کردن آنان به تحصیلات دبیرستانی می انجامد. محدودیت آموزش، فن آوری این جوانان را محدود میکند و امکان رشد آتی آنها را در جامعه به حد اقل میرساند. در کنار موفقیت تعداد چشمگیری از دانش آموزان مهاجر، تعداد فراوانی با درجا زدن تحصیلی روبرو میشوند و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم میکنند و مشغول به کارهایی میشوند که حداقل زندگی آنان را هم تأمین نمیکند.

رضا در ایران معدل کمتر از ۱۹ نگرفته بود. او ۱۴ ساله بود که وارد کانادا شد. پدرش باید برای امرار معاش به سختی و در دو شیفت کار میکرد. مادر هم باید کاری در بیرون از خانه پیدا میکرد تا از پس هزینه های زندگی برآیند. حضور پدر و مادر در زندگی رضا کاهش چشمگیری داشت. بیشتر اوقات به حال خود رها بود. هر چند در سال اول و دوم دبیرستان خوب درس میخواند اما به تدریج افت تحصیلی پیدا کرد. میگفت با یک سری بچه هایی دوست شده که به تدریج او را به طرف تفریح و کلاب و رقص و مواد مخدر و به طور مشخص سیگاری (ماری جوانا) سوق دادند. رضا ۲۱ سالش بود که پیش من آمد. هنوز دبیرستان را تمام نکرده بود. با وجودی که میپذیرفت که مشکلات فراوانی در زندگی دارد و اعتیاد به سیگاری از جمله این مشکلات است، حاضر نشد دست به ترک سیگاری بزند و هنوز روزی ۲-۳ بار سیگاری میکشد. حاصل این اعتیاد این است که همیشه خسته و بی حال و بی رمق است، حافظه و تمرکز خوبی ندارد و اکثر اوقات روز را در رختخواب به سر میبرد. شبها هم در کلوب رقص به سر میبرد و یا جلوی کامپیوتر مشغول گپ زدن با دوستان است. و البته مورد رضا موردی استثنایی و منحصر به فرد نیست.

موضوع دیگری که مشکلات فراوانی ایجاد میکند مسئله برخورد کشور میزبان و مردم این کشورها با مهاجران است. مهاجران در بسیاری از کشورهای غربی برخوردی سرد و یا حداقل دوگانه را تجربه میکنند. مهاجران با احساس مثبت و شور و شوق وارد کشور میزبان میشوند. این شور و شوق، هنگامی که جامعه میزبانی آنها را نمیپذیرد و به آنها میدان پیشرفت نمیدهد، میتواند به سرعت به یأس بدل شود. برخورد منفی کشور میزبان و مقصر شمردن مهاجران برای مسائل و مشکلات بومی کشور – از جمله بیکاری بالا و غیره – میتواند این شور و شوق اولیه را از بین میبرد.

تغییر موقعیت اقتصادی و اجتماعی عوارض متعددی را در بر دارد. تعداد قابل توجهی از مراجعان من شکایت اولیه شان افسردگی و اضطراب است. ولی بررسی دقیقتر نشان میدهد که افسردگی و اضطراب آنها ریشه در ناکامیهای اجتماعی آنها دارد.

مهناز با شوهر و دو دخترش به کانادا مهاجرت کردند. او میگفت در ایران از امکانات مالی بسیار خوبی برخوردار بودند. شوهرش کار فوق العاده خوبی داشت و تنها چیزی که برایشان مطرح نبود پول بود. کار این خانم هم، به قول خودش، هر روز یک دسته پول برداشتن و برای خرید بیرون رفتن و مقدمات مهمانی آخر هفته را فراهم کردن بود. او میگوید به خاطر احساس فشار و عدم اطمینان از آینده کودکانشان به کانادا آمده اند. پولی که آوردند به سرعت تمام شده و پلهای پشت سر هم خراب شده بود. زن در قهوه خانه ای مشغول ارائه چای و قهوه به مشتریان است و آقا در یک پیتزا فروشی به کار تحویل پیتزا به خانه ها مشغول است. این خانم دچار مشکلات فراوانی است. هر بار که به مطب می آید فقط گریه میکند و از اینکه چرا شوهرش را مجبور به مهاجرت کرده است احساس گناه میکند. این خانواده از این لحاظ استثنایی نیستند. گفته میشود که شهر تورنتو با سوادترین راننده های تاکسی دنیا را دارد. این امر از حقیقت به دور نیست. سقوط موقعیت اجتماعی و اقتصادی به خصوص در نسل اول مهاجران امری شایع است.

در مقابل رضا و مهناز، علی را در نظر بگیرید. ایشان ۱۶-۱۵ ساله بود که به همراه خانواده وارد تورونتو شد. او علی رغم مشکلات موجود همه هم و غم خود را معطوف به کار و درس کرد. در ضمن تفریح معقول به سختی درس خواند و بلافاصله بعد از اتمام دبیرستان با معدل بسیار خوب وارد دانشگاه شد و بعد از گرفتن لیسانس وارد یکی از دانشکده های حرفه ای^۱ شد. در آنجا هم با نمرات عالی به تحصیلات خود پایان داد و با موفقیت در رشته مورد علاقه خود مشغول به کار است. طبق آماری که اخیراً دانشجویان دانشگاه رابرسون تورونتو منتشر کردند ۲۵۰ استاد ایرانی در دانشگاههای کانادا مشغول به تدریس میباشند. تنها در دانشگاه تورونتو حدود ۷۰ استاد ایرانی مشغول تدریس میباشند.

در اوایل سال ۲۰۰۶ دولت ایالتی اونتاریو حدود ۲۰ ایرانی فعال در مشاغل مختلف را به سمت هیئت مدیره چند سازمان حرفه ای استان – از جمله انجمن سلطنتی پزشکان و دندانپزشکان و غیره – منصوب کرد.

به مناسبت سال نو، انجمن پزشکان، دندانپزشکان و وکلا در تورنتو جلسه ای مشترک داشتند که حدود ۱۸۰ نفر در آن شرکت کردند. انجمن پزشکان حدود ۴۰ عضو دارد و تازه این تمامی پزشکان ایرانی شهر را در بر نمیگیرد. انجمن وکلا هم حدود ۶۰ عضو دارد. تعداد اعضای انجمن مهندسان شهر حدود ۷۰۰ نفر میباشد.

^۱ Professional School

آمار بالا نشان دهنده امکان مثبت رشد برای مهاجران میباشد. در مقابل این امر، همانگونه که اشاره شد، موارد متعددی از عدم موفقیت هم وجود دارد. اگر جامعه بخواهد موفقتر باشد باید به این نمونه های موفقیت و عدم موفقیت و عوامل آن توجه کند. شناخت و درک درست از دشواریها، امکان اقدام در جهت از بین بردن آن مشکلات را فراهم میکند.

بر اساس سرشماری آماری کشور کانادا جامعه ایرانی تورنتو هنوز یکی از فقیرترین جوامع شهر میباشد. این واقعیت علی رغم این نکته است که همین جمعیت ایرانی شهر تقریباً پرسودترین گروه قومی شهر تورنتو میباشد.

سوالات زیر نکاتی اساسی هستند که پاسخی همه جانبه مینمایند.

مهاجرت چه تأثیری بر خانواده ها میگذارد؟

کودکان این خانواده های مهاجر چه سرنوشتی پیدا میکنند؟

این خانواده ها و کودکانشان با چه مشکلاتی مواجه میشوند؟

این خانواده ها و کودکانشان از چه امکاناتی برای برخورد با این مشکلات برخوردارند؟

انطباق و شکوفایی در جامعه مهاجر چه روندی را طی میکند؟

دولت میزبان و جامعه مهاجر ایرانی چه امکاناتی میتواند، و باید در اختیار افراد تازه وارد قرار بدهد؟

چه روندی باعث میشود که بعضی از کودکان مهاجر به طرف مواد مخدر و اعتیاد، قمار و خشونت بروند؟

چه عواملی باعث تداوم خشونت در میان خانواده های مهاجر میشود؟

همانگونه که گفتیم بررسی این سوالات و یافتن پاسخ برای آنها قدمی است در راه افزایش امکان موفقیت افرادی که اقدام به مهاجرت میکنند.

شکی نیست که تجربه مهاجرت بستگی به کشور و یا حتی شهری دارد که فرد مهاجر به آن وارد میشود. در مطالعاتی که در مورد کشور آمریکا صورت گرفته است نشان داده شده است که نوعی "جدایی" اجتماعی و اقتصادی بین افراد مهاجر و افراد بومی وجود دارد. در مناطقی که این "جدایی" بیشتر است نژاد و رنگ پوست، موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده، وضعیت مالی خانواده و سطح تحصیلات والدین در خانواده اهمیت پیدا میکند. وجود و عدم وجود نژادگرایی و ارتباط با جامعه میزبان از عوامل دیگری است که می تواند به موفقیت امر مهاجرت بیانجامد.

در مطالعه ای سرتاسری در آمریکا در سال ۱۹۹۸ چند نکته جالب نشان داده شده است:

۱- خانواده های مهاجر از موقعیت اجتماعی پایینتر، وضعیت اقتصادی بدتر و فقر شدید تر برخوردار بوده اند.

- ۲- جوانان خانواده های مهاجر نسبت به خانواده های غیر مهاجر از درجه سلامت بالاتری برخوردار بوده اند.
 - ۳- سلامت جوانان در خانواده های مهاجر در طی زمان و با طولانی شدن اقامت آنها در کشور جدید کاهش پیدا کرد.
 - ۴- هر چه جوانان مهاجر بیشتر فرهنگ آمریکایی را به خود گرفتند - و به اصطلاح "آمریکایی زده تر" شدند - بیشتر به مواد مخدر گرایش یافتند و بیشتر با مشکلات قانونی مواجه شدند.
- مطالعه ای دیگر نشان میدهد که هر چه زمان اقامت مهاجران بیشتر شده نمره درسی آنها و شور و اشتیاق درس خواندن آنها کاهش بیشتری یافته است.
- ضرورت مهاجرت برای کسانی که تحت فشارهای مذهبی و یا سیاسی در کشور خود قرار دارند غیر قابل بحث است. در مورد جامعه ایرانی من در کار خود به خصوص به مسائل و مشکلات جامعه بهایی در ایران برخورده ام. افراد این جامعه در ایران از حقوق مدنی محدودی برخوردارند و جوانان آنها حق دانشگاه رفتن ندارند. طبیعتاً چنین گروهی از مهاجرت نفع فراوانی میبرند و امکاناتی در اختیار این جامعه قرار میگیرد که قبلاً به آن دسترسی نداشتند. در مقابل، کسانی که از تمامی امکانات رفاهی در کشور خود برخوردار بوده اند، ممکن است نفع چندانی از مهاجرت خود نبرند و حتی امکانات زیادی را نیز از دست بدهند.

عوامل موثر در مهاجرت

به طور خلاصه بعضی عواملی که میتوانند بر پروسه مهاجرت تأثیر بگذارند عبارتند از:

- ۱- وضعیت اقتصادی خانواده و پولی که با خود به همراه می آورند.
- ۲- وضعیت و موقعیت اجتماعی خانواده قبل از مهاجرت
- ۳- سطح سواد والدین خانواده
- ۴- سلامت روحی و جسمی مهاجران قبل از سفر
- ۵- وضعیت قانونی مهاجران (پناهنده و یا مهاجر قانونی)
- ۶- نژاد و رنگ پوست
- ۷- سطح آگاهی از زبان کشور جدید
- ۸- موقعیتهای اقتصادی در کشور میزبان و امکان استفاده در آن موقعیتهای
- ۹- وضعیت منطقه ای که مهاجر در آن ساکن میشود

۱۰- وجود و یا عدم وجود اندیشه ها و رفتارهای نژاد پرستانه و احساسات ضد مهاجر در کشور و شهر میزبان

مسائل مطرح شده و بسیاری مسائل مهم دیگر نشان میدهد که پدیده مهاجرت بسیار گسترده است و حاصل آن برای افراد مختلف میتواند متفاوت باشد. علی رغم مشکلات فراوان، پروسه مهاجرت میتواند عامل کشف و شکوفایی استعدادهای نهفته خانواده و افراد آن باشد. باید توجه کرد که همان پروسه ای که امکانات رشد افراد را فراهم میکند از سوی دیگر میتواند کنترل والدین را در خانواده کم کند. باید از این جریانات اطلاع کافی داشت و برای برخورد با آنها آماده بود. باید آماده مقابله با مشکلات مهاجرت بود.

تنها با بررسی علل شکست بعضی خانواده ها در مهاجرت و ریشه یابی مشکلاتی که این خانواده ها با آن مواجه میشوند و ایجاد امکانات برای حل آن مشکلات است که میتواند شانس موفقیت در مهاجرت را بالا ببرد. به نظر من قبل از اقدام به مهاجرت، خانواده ها باید از مسائل و مشکلات احتمالی که بر سر راهشان قرار میگیرد آگاه باشند. طرح این مشکلات به معنی بازداشتن این افراد از مهاجرت نیست. مهاجرت میتواند امکانات فراوان جدیدی در مقابل خانواده ها و افراد قرار دهد. ولی تضمین موفقیت در گروی شناخت منطقی و تلاش فوق العاده خانواده ای است که اقدام به مهاجرت میکند. خواننده ای از تهران بعضی از این مسائل را به خوبی در نامه خود مطرح کرده است:

"به نظر من مهاجرت به خودی خود امری آسیب رسان نیست. با مطالعه نظرات مهاجران من به این نتیجه رسیده ام که مهاجرانی که در کشور محل اقامت دارای شغل و اعتبار و درآمد خوبی هستند از مهاجرتشان راضی هستند ولی اونهایی که در مضیقه امکانات زندگی و کار و پول هستند دچار افسردگی و آسیبهای روانی میشوند و این رو به مهاجرت نسبت میدهند و چون معمولاً از خانواده و فامیل دورند احساس میکنند در این سختیها تنها هستند. ولی چه بسیار از مردم ایران و خصوصاً جوانان به خاطر مشکلات و بر آورده نشدن نیازهای اولیه و ثانویه شون با این حال که در ایران زندگی میکنند افسرده هستند و مشکلات روحی دارند. به نظر من فرقی نمیکند آدم کجا زندگی کنه اگه امکانات در اختیار باشه خوبه اگه نباشه رنج آورده. چه در وطن چه دور از وطن. انسان معمولاً دنبال چیزی هست که نداره. اگه مهاجرانی که هوای کوچه پس کوچه های شهر و دیار شون رو کردند برگردند و مدتی ایران زندگی کنند دوباره از چیزی که دارند راضی نمیشند و میخوان برگردند کشور ثالث."

برخوردی که خواننده دیگری از دترویت آمریکا دارد راه حلی منطقی است:

"تا موقعی که در ایران به سر میبردم از همه چیز می نالیدم. از وضعیت بیمارستان ها گرفته تا خرابی جاده ها. هدفم مهاجرت به آمریکا بود یا در واقع فرار از ایران. مدت ها بعد که به دترویت آمدم خیلی چیزها برایم ملموس شد که تا قبل از آن اصلاً به آنها فکر نمی کردم. مشکلات روحی بسیاری پیدا کرده بودم تا اینکه به نتیجه ی مهمی رسیدم: قبل از هر چیز باید برای خودت مشخص کنی که از زندگی چه انتظاراتی داری. اگر هدف و انتظارات معقولی داشته باشی، یا از ایران فرار نمیکنی، یا پس از مهاجرت احساس دلتنگی نخواهی کرد."